

درس های مبارزه کارگران هفت تپه از تقی روزبه

رویش گفتمان ضدسرمايه داری

و درس های بزرگ مبارزه پرشکوه کارگران هفت تپه!
تقی روزبه

مبارزات درخشان کارگران هفت تپه تا همین جا هم دارای پیام های مهم و الهام بخشی برای کل کارگران و دیگر جنبش های اجتماعی و رادیکالیزه کردن جنبش ضدسیستم بوده است. آن ها در عین مبارزه مشخص علیه وضعیت مشخص خود و بکارگیری انواع ابتکارات در مقاومت و مبارزه خود، اما درعین خاص بودگی اش به شکل نمایانی حامل مؤلفه های عام و فرامحلی هستند. و همین ترکیب خلاق در متن یک مقاومت درخشان است که به آن اهمیتی بیش از یک مبارزه مشخص و محلی یک مؤسسه تولیدی در شرایط مشخص می دهد. آن ها در عمل و شعارهای خود به نحو درخشانی انگشت بردردهای عمومی و جهت گیری عمومی برای مقابله با آن ها می کنند. البته چنین فرایندی در حال شدن است و در این میان نکته مهم و اصلی جهتی است که این جنبش آن را نشان می دهد:

الف- با پژواک گسترده شعارنان-کار-آزادی-اداره شورائی!

ب- علیه سیاست خصوصی سازی!

ج- اهمیت اتحاد و همبستگی کارگران و پیوند آن ها با سایر جنبش ها

د- نوع سازمان یابی، حرکت جنبشی-افقی و دوری از اشکال سلسه مراتبی و از نوع هرمی. اسماعیل بخشی در سخنان خود مرتب بر نقش تعیین کننده کارگران و مجامع عمومی آن ها در تصمیم گیری ها، و نقش نمایندگان هم چون رابطینی که صرفا خواست ها و تصمیمات آن ها را منتقل می کنند، تاکید کرده است. بی تردید اگر چنین نقشی جابیفند، آن گاه نه فقط کارگران از همین حالا مداخله در سرنوشت خودشان را آغاز کرده اند و تمرین می کنند، بلکه با کاهش ضربه پذیری خود، دارای توان بیشتری در ادامه حرکت خود، حتی در صورت دستگیری

رابطین و سخنگویان و فعالان پیشرو خود، خواهند داشت. بی تردید سازمان یابی افقی به معنی نادیده گرفتن نقش فعالان و عناصر پیشرو در جنبش کارگری نیست، اما این که بخواهیم آن را نهادی کنیم و برای کارگران رهبر (و پیروانی که رهبر بدون آن معنا ندارد) بترسیم جزیبگانگی با اخگرسوزان جنبش های نوین و نقش آفرینی احادکارگران در ساختن مناسبات نوین و جهانی نو و بنای سوسیالیسم بدست خود کارگران و مردمان جامعه نیست.

ه- کارگران هفت تپه با داشتن تجربه زنده و تلخ پی آمدهای خصوصی سازی، در کنار معلمان و دانشجویانی که به کالائی و پولی کردن آموزش و مدارس و دانشگاه ها معترضند، تا همین جا هم نقش مهم و تاثیرگذاری در پژواک دادن گفتمان ضد سرمایه داری در سطح جامعه ایران و حتی در بیرون از کشور داشته اند. بویژه با طرح مساله خصوصی سازی و ایده شورائی، نه فقط رژیم که لیبرال ها و گفتمان سرمایه دارانه را مستقیما به چالش گرفته و آن ها را نگران رشد جنبش کارگری و مسیر جنبش مطالباتی آن ها کرده است بطوری که چه در رسانه های داخلی و چه در رسانه ها و تریبون های خارجی چون بی بی سی و دیگر رسانه های مشابه در خارج کشور به تکاپو برای نجات گفتمان خود و منزوی کردن گفتمان ضد سرمایه داری در حال نضج انداخته است. آن ها در این راه تلاش مذبوحانه ای را برای تفکیک خصوصی سازی مورد نظر خود از خصوصی سازی رژیم اسلامی که گویا از نوع بدخیمش هست و تا حالا هم چه آن ها و چه دولت ها و نهادهای جهانی سرمایه داری آن را تشویق و از آن دفاع می کرده اند (و البته بخش های زیادی هم چنان هم دفاع می کنند)، آغاز کرده اند. غافل از آن که خصوصی سازی باصطلاح خوش خیم وجود خارجی ندارد. تجربه «خصوصی سازی واقعی» حتی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری هم - کشورهای عقب مانده و جهان سومی که جای خود دارد - نیز بیلان کارشان جز گسترش فقر و شکاف طبقاتی و تشدید بحران و مداخله روزافزون دولت ها در اقتصاد و بازار، البته بسود سرمایه داران، نبوده است. بحران جهان امروز هم، همان گونه که بحران ایران نیز در گوهرخود، به گونه ای بکر آن را در منطقه خاورمیانه بازتاب می دهد، بازتاب بحران کالائی شدن مناسبات زندگی و نیز بهمان اندازه کالائی شدن مناسبات انسان با محیط زیست است. آن چه که سرمایه داری فربه شده امروز وجود خارجی دارد همانا انحصار و چیرگی غول های بزرگ بر زندگی بشر و طبیعت است که دوقطبی سازی یک درصد و ۹۹ درصد و ویرانی طبیعت و شمارش معکوس آن هم چون بیلان خروجی آن به صدا در آمده است. جنبش نوین مردم ایران با تجربه زیسته چهاردهه مشقت و رنج در نظام

استبدادی کنونی و و هم چنین تجربه استبداد گذشته اش، و با داشتن پیشینه غنی و تاثیرگذار و تاثیرپذیر در منطقه، اکنون در بداعتی نوین و پیشرو، در پاسخ به این نوع مناسبات «نه» می گوید. آن ها قبل از هرچیز این درس بزرگ را از کتاب زندگی (تجربه زیسته خود) آموخته اند، که مبارزه علیه استبداد مذهبی بدون مبارزه با سرشت مناسباتی که این استبداد برپایه آن بیداد می کند، راه بجائی نخواهندبرد. پیوند جداناپذیر نان و آزادی نه فقط در تمایز با تجربه های پیشین که گشایش آینده ای پر امید بر پرچم این رویش جدید نقش بسته است.

و- کارگران هفت تپه و شور و خیزش مبارزاتی آن ها، نمونه ای درخشان و درس آموز از آن چیزی است که می توان آن را «سوسیالیسم هم چون یک جنبش مطالباتی» خواند و نه هم چون یک مکتب آئینی و تدوین و برنامه زیری شده توسط نخبگان و فرقه ها. در این پراکسیس، تئوری و پراتیک از هم جدا نیستند و آگاهی و عمل با هم گره می خورند... «سوسیالیسم هم چون یک جنبش مطالباتی» که در آن مبارزه علیه کالائی شدن عرصه های مختلف زندگی و تبدیل آن ها به مناسبات از گونه ای دیگر به مطالبات مشخص و شفاف خودجامعه و کارگران و زحمتکشان و کشگران ضد سرمایه داری تبدیل می شود. کارگران و زحمتکشان با گسترش و تعمیق چنین فرایندی قادر به ارائه آلترناتیوی واقعی در برابر سرمایه داری خواهند شد.

ز- و البته این را هم باید افزود که مبارزه علیه سرمایه داری چه در نوع خصوصی اش (که البته با عبورتاریخی از مرحله غیرانحصاری دوران اولیه اکنون اساسا به شکل انحصارات غول های بزرگ وجود دارد)، که شکل اصلی و پایدار است و چه در نوع سرمایه داری کاملا و یا عمدتا دولتی اش، دارای ماهیت یکسان هستند. و طبیعی است که جنبش کارگری برای رسیدن به اهداف خود نمی تواند به هیچ کدام از آن ها دخیل بندد و ضرورتا با هر دو شکل آن مبارزه می کند. سوای تجربیات جهانی، در ایران و حکومت اسلامی نیز، کارگران از قضا در تجربه خودهر دو نوع آن را آزموده اند. از همین رو تاکید کارگران به مبارزه علیه خصوصی سازی نه فقط به معنی خزیدن به زیرچتر سرمایه داری دولت نیست، بلکه همانطور که آن ها مطرح ساخته اند آنها در صورت دولتی شدن هم بر نقش خود در تصمیم گیری و اداره کارخانه تاکید کرده اند.

ح- جنبش اعتراضی کارگران هفت تپه در عین حال خطوط اولیه نحوه خروج از گرداب و و دام چاله کشاکش بین دوگانه «دشمن داخلی و

خارجی» را ترسیم می کند: آن ها از یکسو و بدرستی آماج خود را رژیم حاکم هم چون دشمن خانگی به عنوان منشأ اصلی همه تباهی ها و نیروی بشدت ارتجاعی و مسلط برسرنوشت خود-در راستای راهبرد دشمن همین جاست- متمرکز می کنند و در همان حال با طرح مطالبات واقعی و ضدسرمایه دارانه خود، مدافعان سرمایه داری و حامیان بین المللی آن ها را نیز به چالش می کشند. آن ها باین طریق نه فقط سحر تاکتیکی رژیم اسلامی را که می کوشد مثل همیشه با علم کردن دشمنان خارجی صفوف جنبش را در هم بریزد و خویشان را از مهلکه نجات بخشد باطل می کنند، در عین حال با طرح مطالبات واقعی خود اجازه بهره برداری به گفتمان سرمایه داری و حامیان بین المللی آن ها نمی دهند. بی تردید چنین فرایافتی، مواجهه با این بغرنجی از طریق تبدیل و تحویل آن ها به دو گفتمان ماهیتا متفاوت و قابل ملموس، با وجود آن که برای مقابله کارآیند با دوگانگی مزبور هم چنان نیاز به تدقیق و تکلمه دارد، اما نهادن خشت پایه مقابله با این دوگانه کاذب و تشتت آفرین بر پایه مطالبات عینی، ناهمسوئی بنیادی بین گفتمان ضداستبدادی-ضدسرمایه داری با گفتمان سرمایه داری مدعی مبارزه با نظام و استبدادحاکم را به نحو شفافی نمایان می سازد. نباید فراموش کنیم که عبور از این دوگانه کاذب و در عین حال تنش زا و تشتت آفرین، چالش و آزمون بزرگی برای این گفتمان و سرنوشت جنبش نوین مردم ایران است.

ط -چپ اجتماعی و معطوف به جنبش ها در همین خاک ریشه دارد و در حال خیزش و برآمد نوین است. چپ آن جاست که جنبش های ضدسرمایه داری ریشه و جوانه می زنند. آن ها سازخود را با چنین برآمدی کوک می کنند. و بخشهای پراکنده آن نیز با خروج از مدار کوک شده چهارده گذشته، به همراه پارادایمی که دوراننش بسرآمده، می توانند بر همین بستر به بازسازی خود همت گمارند.

با همه توان برای تقویت این جنبش و آزادی فوری کارگران دستگیرشده بکوشیم!

تقی روزبه ۱۸.۱۱.۲۰۱۸